

کیوان مهشید

زمانی برای بازگوئی برخی واقعیات پنهان

مهندس کیوان مهشید از قربانیان و چهره های هنوز ناشناخته حزب توده ایران است که در جریان قتل عام سال ۱۳۶۷ در شوافزخانه زندان اوین به دار آویخته شد.

بسیار جوان بود که در جمع اعضای حزب ملل اسلامی که رهبری آن با نوه مرجع بزرگ تشیع سید ابوالحسن اصفهانی، مهندس "کاظم بجنوردی" بود به زندان شاه افتاد. تا انقلاب ۵۷ در زندان ماند. یعنی نزدیک به ۱۴ سال. پیرامون شخصیت او در زندان قصر، زنده یاد به آذین در کتاب "میهمان این آقایان" که راه توده آن را بصورت کامل اخیراً منتشر کرد چنان کامل و گویا نوشته است که نیازی به افزودن شرحی بر آن نیست: یکپارچه شوق و صداقت! در زندان شاه، علیرغم بینش مذهبی که داشت، بتدریج و بر اثر مطالعه و گفتگو با افسران سازمان نظامی حزب توده ایران که با او زندانی بودند به مشی توده ای پیوست. آنقدر صداقت داشت که پس از انقلاب و رهائی از زندان شاه نیز این مشی خود را حفظ کرد و بر خلاف آنها که یکشنبه ریش گذاشته و انقلابی حکومتی شده بودند خویش را پشت ریش و تسبیح پنهان ساخت. همه مذهبپوئی که از زندان بیرون آمده بودند می دانستند مهندس کیوان از مشی و سیاست حزب توده ایران دفاع می کند. هیچ نیروی مذهبی زندان دیده ای یارای طرد او را نداشت. او در زندان یکپارچه مقاومت و صداقت بود و در خارج از زندان نیز یکپارچه شور انقلابی. با اندکی "اما" و "اگر" او را در راس یکی از مهم ترین سازمان های الکترونیکی باقی مانده از دوران شاه قرار دادند. یعنی مرکز نیمه نظامی- نیمه انفورماتیک معروف به "ایزایران". موسسه ای که تا پیش از انقلاب تیول نظامیان امریکائی و ژنرال های شاه بود. پس از تجدید سازماندهی این مرکز، به خواست خود و برای کاهش حساسیت هائی که برانگیخته شده بود، این مرکز را ترک کرد، اما ارتباط خود را با زندانیان مذهبی مترقی و یا کمتر قشری زمان شاه حفظ کرد. از دل این ارتباط ها و دل نگرانی شریف ترین نیروهای مذهبی طرفدار انقلاب، اشاره بسیار مهم "قریب الوقوع بودن یورش دوم به حزب توده ایران" بیرون آمد. سه شب پیش از آغاز یورش دوم، شتابزده از سفری که برای گشایش خانه جوانان به رشت کرده بود بازگشت و اطلاع داد: "کمیته مشترک را تخلیه کرده و برای ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر آماده کرده اند. یورش دوم به حزب قطعی و قریب الوقوع است".

راه توده برای نخستین بار و با علم به اینکه ضرورت بازگوئی برخی حقایق فرا رسیده است فاش می کند که سفر سه تن از هیات رهبری فاصله دو یورش به حزب، یعنی جوانشیر، ابراهیمی و هاتقی به آذربایجان و دور بودن از تهران از جمله به دلیل رسیدن همین اطلاع بود. در آن سفر، برای زمینه سنجی عقب نشینی فوری رهبری حزب به مناطقی از آذربایجان ایران انجام شده بود، اما ضربه و یورش سریع تر از تدابیر رهبری بین دو یورش فرود آمد.

کیوان مهشید از جمله دستگیر شدگان یورش دوم به حزب توده ایران است، که زیر سخت ترین شکنجه ها رفت. بازجوها زیر شکنجه اطلاع یافته بودند که رهبری بین دو یورش علیرغم همه تدابیر امنیتی و پنهانکاری سازمان امنیت سپاه، از قریب الوقوع بودن یورش دوم و حتی تخلیه زندان کمیته مشترک (بند ۳ هزار و سپس توحید و اکنون نمایشگاه جانیات ساواک) اطلاع حاصل کرده بود، اما نتوانستند بدانند این اطلاع از کجا و کدام کانال بدست آمده بود. شاید بخشی از شکنجه کیوان مهشید برای بیرون کشیدن این اعتراف از دهان او بود، که این دهان هرگز باز نشد. او را نه تنها به جرم توده ای بودن، بلکه به جرم ترک

صفوف مذهبیون و پیوستن به حزب توده ایران تحت سخت ترین فشارها قرار دادند و سرانجام نیز، به دارش کشیدند.

هنوز سرگذشت قربانیان خیانت به انقلاب ۵۷ کامل نیست و کامل نخواهد شد، مگر دانسته و گفته شود حزب توده ایران و توده ای ها چگونه از جان خویش برای دفاع از این انقلاب مایه گذاشتند. همچنان که سرگذشت کیوان مهشید نیز هنوز کامل نیست، چرا که زمان تکمیل این سرگذشت هنوز نرسیده است.

راه توده ۱۳۴ ۲۸,۰۵,۲۰۰۷